زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و سلم در میان ما بودند، ما زکات فطر را از طرف هر کوچک و بزرگ، آزاد یا برده، به اندازۀ یک صاع (پیمانه) از خوراک، یا یک صاع کشک، یا یک صاع جو، یا یک صاع خرما، یا یک صاع کشمش پرداخت می‌کردیم

از ابوسعید خُدری رضی الله عنه روایت است که گفت: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و سلم در میان ما بودند، ما زکات فطر را از طرف هر کوچک و بزرگ، آزاد یا برده، به اندازۀ یک صاع (پیمانه) از خوراک، یا یک صاع کشک، یا یک صاع جو، یا یک صاع خرما، یا یک صاع کشمش پرداخت می‌کردیم. و ما پیوسته آن را به همین شکل پرداخت می‌کردیم تا اینکه معاویة بن ابی سفیان رضی الله عنه برای حج یا عمره نزد ما آمد. پس بر منبر با مردم سخن گفت و از جملۀ سخنانش با مردم این بود که گفت: من چنین می‌بینم که دو مُد (پیمانه‌ای کوچکتر) از گندم شام، معادل یک صاع خرماست. پس مردم این [نظر] را پذیرفتند. ابوسعید گفت: اما من، تا زمانی که زنده باشم، پیوسته آن را همان‌گونه که پرداخت می‌کردم، پرداخت خواهم کرد.

[صحیح است] [بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند]

مسلمانان در دوران پیامبر صلی الله علیه و سلم و دوران خلفای راشدین پس از ایشان، زکات فطر را از طرف کوچک و بزرگ به اندازۀ یک صاع خوراک، پرداخت می‌کردند. و خوراک آنان جو و «زبیب»: انگور خشک، و «آقِط»: شیر خشک شده (کشک)، و خرما بود. و اندازۀ یک صاع، چهار مُد است، و یک مُد برابر با دو کفِ پر یک مرد میانه اندام است. پس هنگامی که معاویه رضی الله عنه در زمان خلافتش به مدینه آمد و گندم شامی فراوان شد، خطبه خواند و گفت: من چنین می‌بینم که دو مُد از گندم شام (نصف صاع)، معادل یک صاع خرماست. پس مردم این [نظر] را پذیرفتند. ابوسعید خدری رضی الله عنه گفت: اما من، تا زمانی که زنده باشم، پیوسته آن را همان‌گونه که در دوران پیامبر صلی الله علیه و سلم پرداخت می‌کردم، پرداخت خواهم کرد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/4454